

رویکرد ها و الگو های طراحی آموزشی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه

دکتر حسین قاسم پور مقدم^۱

چکیده

آموزش زبان و ادبیات فارسی به عنوان یکی از حوزه های یادگیری مهم از یک سو با درک و فهم مفاهیم و آموخته های دیگر حوزه های یادگیری ارتباط دارد و از دیگر سو ریشه در داد و ستد های فرهنگی قومی، بومی و ملی دارد. توجه ویژه به تاثیر گذاری برنامه درسی زبان و ادب فارسی در آموزش عالی به عنوان یک اصل آموزشی، ایجاب می کند تا دست اندرکاران نظام برنامه ریزی درسی به طور جدی، تمامی مولفه ها و عناصر آن را طراحی و تدوین کنند. یکی از موثر ترین عناصر برنامه درسی زبان و ادب فارسی، عنصر آموزش و تدریس است. در هر نوع آموزشی با عنایت به انواع مختلف رویکردهای طراحی آموزشی، الگوهای مناسبی ارائه شده است. هر مدرسی لازم است از کم و کیف بکارگیری این رویکردها و الگوها اطلاع داشته باشد در آموزش مواد درسی این رشته مورد استفاده قرار دهد. در این جستار، رویکردهای رفتارمدار، قابلیت مدار و عملکردمدار بررسی شده و کاربرد هر کدام با ارائه نمونه هایی تشریح گردیده است. در ادامه به دلیل تناسب بیشتر زبان و ادب فارسی با رویکرد عملکردمدار، الگوی عملی آن در آموزش زبان و ادبیات فارسی عرضه شده است. بنابراین در آموزش زبان و ادبیات فارسی هر مقطع تحصیلی به ویژه دانشگاه، باید از رویکردها و الگوهای طراحی مناسب آموزشی استفاده شود تا مدرسان با استفاده از آن بتوانند تاثیر گذاری بیشتری بر رفتارهای دانشجویان داشته باشند.

واژه های کلیدی: برنامه درسی، آموزش زبان و ادبیات فارسی، رویکرد و الگو، طراحی آموزشی، دانشگاه

مقدمه

آموزش مجموعه تصمیمات و اقداماتی است که یکی پس از دیگری اتخاذ می شود و انجام می گیرد و هدف آن دستیابی هر چه بیشتر یادگیرنده به هدفهای آموزشی است. پس آموزش یک کار عمدی و جدی است و مانند هر کار جدی دیگری نیاز به طراحی و پیش اندیشی دارد. طراحی نیز به معنای اندیشیدن یا تنظیم، ترسیم، و آماده کردن پیش نویس یک نقشه برای دستیابی به اهداف خاصی است. (فردانش، ۱۳۸۸) برنامه درسی زبان فارسی مجموعه ای از دانش ها، مهارت ها و نگرش هایی است که به منظور نیل به بخشی از اهداف برنامه در دوره های مختلف تحصیلی طراحی و اجرا می شود. بنابراین ضرورت دارد قبل از هر نوع برنامه ریزی، بین عناصر برنامه یعنی اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی هماهنگی و انسجام لازم برقرار شود تا دانشجویان اطلاعات مناسبی درباره ساختار درس فارسی کسب کنند، بر توانایی ها و مهارت های لازم زبانی تسلط یابند و در رفتارهای فردی و اجتماعی خود نگرش مثبتی نسبت به این حوزه نشان دهند. تجارب طراحی آموزشی نشان می دهد مدرسان در آموزش زبان فارسی، اصول و معیارهای علمی را کمتر به کار می برند و در نتیجه از نظر آنان آموزش عبارت است از پیروی از روش تدریس دیگران یا ایجاد تغییر در شرایط فیزیکی کلاس. به نظر می رسد یکی از آسیب های آموزش زبان فارسی عدم توجه به رویکردهای طراحی آموزشی باشد. از سوی دیگر تدریس یکنواخت در طول سالیان سال زمینه های نوآوری در یاددهی و یادگیری را از بین برده است. بنابراین مدرس این درس می تواند با تنوع بخشیدن در روش های تدریس

^۱ عضو هیات علمی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی h44ghasempour@yahoo.com

خود بستر مناسبی جهت افزایش میزان یادگیری و علاقه‌مندی دانش‌جویان فراهم کند. یکی از راهکارهای نوین برای تنوع بخشیدن به آموزش زبان فارسی «طراحی آموزشی» است.

پیشینه موضوع

طراحی آموزشی تهیه نقشه‌های مشخص درباره نحوه دست‌یابی به هدف‌های آموزشی است. به عبارت دیگر طراحی آموزشی را می‌توان تجویز یا پیش‌بینی روش‌های مطلوب آموزشی برای نیل به تغییرات مورد نظر در دانش‌ها، مهارت‌ها و عواطف دانش‌جویان دانست. طراحی آموزشی، پیش‌بینی و تنظیم رویدادهای آموزشی بر اساس اهداف، محتوا و امکانات موجود با توجه به ویژگیها و ساخت‌شناختی دانش‌جویان است. طراحی آموزشی به مثابه نقشه ساختمانی است که در آن نحوه ترکیب و اتصال اجزا و عناصر و اجرای کل امور پیش‌بینی می‌شود به نحوی که آینه تمام‌نمای فرآیند یاددهی - یادگیری در یک جلسه یا در یک هفته باشد. نخستین گام در طراحی آموزشی، تعیین هدف‌های آموزشی است. (شعبانی، ۱۳۸۸) هدف‌ها تعیین‌کننده تمام جزئیات برنامه آموزش زبان فارسی هستند. طراحی آموزشی ممکن است به دو صورت خرد و کلان، انجام گیرد. طراحی در سطح کلان مربوط به شورای برنامه‌ریزی درسی و متخصصان آموزشی است؛ اما طراحی در سطح خرد، کلاً بر عهده مدرس است. در فرآیند طراحی خرد، توجه باید بیشتر به حصول صلاحیتها و قابلیت‌های مورد انتظار جلب شود و با نگرشی سیستمی و نظام‌مند، مجموعه‌عناصری را که در یادگیری دانش‌جویان مؤثرند، در نظر گرفت. مدرس باید کل محتوای آموزشی را به اجزای قابل تدریس که معمولاً به نام جلسات درس یا تدریس نامیده می‌شود، تقسیم کند و مشخص سازد که براساس زمان منظور شده، چند جلسه یا ساعت در طول ترم و یا سال تحصیلی تدریس خواهد داشت و در هر جلسه چه موضوعی و با چه اهدافی دنبال خواهد شد.

وقتی مدرسی قصد دارد هدف‌های درس را تعیین یا روشن کند، فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد که ممکن است او را به نتیجه نرساند. گاهی مدرسان در تعیین اهداف دچار خطاهایی می‌شوند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱- مدرسی که می‌خواهد یک متن از نثر فارسی را تدریس کند، یا مدرسی که قصد دارد درس «ساختمان واژگان» را در دستور زبان فارسی آموزش دهد، اگر به هنگام تعیین اهداف آموزشی از خود بپرسند: **من چه باید انجام دهم؟** به جای تعیین اهداف، به تعیین روش‌های آموزشی پرداخته است.

۲- مدرسی که می‌خواهد آرایه بیان را یاد دهد یا مدرسی که آماده می‌شود تا غزلی از حافظ را در تدریس کند، به هنگام تعیین اهداف، فهرستی از فعالیت‌های دانش‌جویان را تهیه می‌کند. این عمل نیز آن‌ها را به تعیین اهداف نمی‌رساند.

۳- مدرسی که می‌خواهد عروض و قافیه را از آموزش دهد، اگر به هنگام تعیین اهداف به تهیه فهرستی از رؤس مطالب درس بپردازد؛ اهداف او درست و دقیق نخواهد بود. (قاسم‌پور، ۱۳۹۲)

گفتنی است که انجام هر یک از فعالیت‌های فوق در طول آموزش خالی از فایده نیست اما باید توجه داشت که توانایی تشخیص و تمیز اهداف آموزشی از اهداف کلی و عام نیاز به تمرین و مهارت دارد که در سایه طراحی آموزشی و عمل به یکی از الگوهای تعیین اهداف قابل وصول است. برای این که اهمیت استفاده از الگوهای طراحی آموزشی در تعیین هدف روشن شود، به سه رویکرد مهم در طراحی آموزشی اشاره می‌شود.

رویکردهای طراحی آموزشی

الف) رویکرد رفتار مدار

طبقه بندی اهداف آموزشی در حیطه‌های سه گانه شناختی، مهارتی و نگرشی از جمله رویکردهای رفتار مدار است که در تعیین اهداف فقط به نتیجه و حاصل آموزش نظر دارند و هیچ اشاره‌ای به قابلیت‌های ذهنی، توانایی‌های شناختی و عملکردهای فرد نمی‌شود. بر اساس این رویکرد مدرس نمی‌داند برای رسیدن به اهداف درس چه روش‌هایی را به کار گیرد. (قاسم پور، ۱۳۷۵) به عبارت دیگر در این طبقه بندی معلوم می‌شود چه چیزی باید آموزش داده شود (محتوا) ولی هیچ سخنی از نحوه آموزش در کار نیست. برای روشن شدن موضوع به جدول زیر توجه می‌کنیم:

حیطه شناختی	حیطه مهارتی	حیطه نگرشی
۱- دانستن طرز تشخیص اوزان عروضی را بداند.	۱- دریافت می‌تواند کلمات بیت را تقطیع کند.	۱- دریافت به طرز خوانش حماسه توجه می‌کند.
۲- فهمیدن طرز تشخیص اوزان شعری را بیان می‌کند.	۲- آمادگی غزلیات سعدی را باز می‌کند تا مطلع غزلی را تقطیع کند.	۲- پاسخ در شاهنامه به دنبال کلماتی می‌گردد که اغراق را در ذهن او تداعی کرده است.
۳- کاربرد می‌تواند بحر متقارب را در ابیات داده شده نشان دهد.	۳- پاسخ هدایت شده به تقلید از کتاب یا مدرس اوزان شعری را می‌نویسد.	۳- ارج نهادن تمرین‌ها و فعالیت‌های درس عروض را با علاقه انجام می‌دهد.
۴- تحلیل کلمات بیت یا مصراع را به هجاهای تشکیل دهنده آن تقسیم می‌کند.	۴- خودکار شدن عمل وزن هر بیتی را بدون مکث می‌نویسد.	۴- سازماندهی ارزش‌ها از مطالعه متون نظم و نثر فارسی لذت می‌برد.
۵- ترکیب می‌تواند دو بند درباره‌ی اوزان شعری بنویسد.	۵- رفتار مرکب متنی از بوستان سعدی را با آهنگ مناسب می‌خواند و وزن آن را بیان می‌کند.	۵- وجدانی کردن ارزش‌ها در صورت مطالعه نکردن در طول روز احساس کسالت و سردرگمی می‌کند.
۶- ارزشیابی درباره بحور عروضی و تاثیر آن در التذاذ ادبی نظر می‌دهد.	۶- تطبیق و ابداع در تشخیص اوزان شعری، آرایه‌های ادبی را نیز نشان می‌دهد.	

جدول ۱: تعیین اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی بر اساس رویکرد رفتار مدار

ب) رویکرد قابلیت مدار

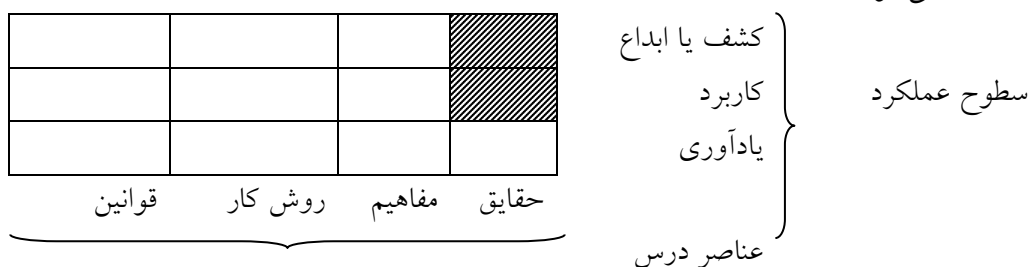
بر اساس این رویکرد هر فردی عملکردهای متفاوتی دارد که ناشی از نحوه یادگیری اوست. یادگیری صرفاً ارائه پاسخ یا عکس‌العمل در قبال محرک‌های خارجی نیست و نمی‌توان تنها با رابطه تداعی یا ارتباط آن را بیان کرد بلکه یادگیری حاصل فعل و انفعالات و پردازشی است که روی اطلاعات وارد شده به ذهن انجام می‌شود. بر اساس اصول این رویکرد، یادگیری‌های بشر را می‌توان در پنج نوع قابلیت خلاصه کرد. (گانیه، ۱۳۸۴) البته باید گفت ظهور خارجی هر یک از این قابلیت‌ها متفاوت است مثلاً نشان دادن علاقه و گرایش مثبت به درس دستور با نشان دادن درک و فهم درس آرایه‌های ادبی متفاوت از هم است. علاوه بر این یادگیری هر قابلیت مستلزم تحقق شرایط درونی و بیرونی است. مثلاً لازمه یادگیری طرز پیدا کردن آرایه‌های ادبی یک شعر وجود شرایط درونی مانند دانستن و توانایی تشخیص و شرایط بیرونی مانند در اختیار داشتن یک قطعه شعر است. در جدول زیر نمونه‌هایی از این طبقه بندی برای اهداف آموزش زبان و ادبیات دیده می‌شود:

عملکرد	قابلیت
تشخیص تشبیه و استعاره در متن / درک مفاهیم کلمه، جمله و بیت / شناخت نکته‌های نگارشی، املائی و دستوری در نوشتار	مهارت‌های ذهنی
درباره شباهت اشعار شاعران سبک خراسانی می‌اندیشد. / درباره راه های تشخیص علاقه در مجاز فکر می‌کند. / سیر رشد و توسعه داستان نویسی در ایران را تحلیل می‌کند.	راهبردهای شناختی
نام آرایه های بدیع را می‌داند. / انواع واژگان به لحاظ ساختمان را بیان می‌کند.	اطلاعات لغوی
تکالیف درس دستور زبان فارسی را انجام می‌دهد. / متنی از نهج البلاغه به لحاظ صرف و نحو تحلیل می‌کند. / آیات و احادیث را در مثنوی معنوی نشان می‌دهد.	مهارت‌های پدی
نسبت به رشته فارسی احساس خوبی دارد. / به مطالعه داستان و رمان علاقه دارد.	گرایش‌ها

جدول ۲: تعیین اهداف آموزش زبان فارسی بر اساس رویکرد قابلیت مدار

پ) رویکرد عملکرد مدار

بر اساس این رویکرد، یادگیری درس زبان فارسی تلفیقی از توانایی‌های ذهنی و رفتارهای ظاهری است که از آن با عنوان عملکرد یاد می‌شود. در این رویکرد بر خلاف رویکرد قابلیت مدار، تنها به یک نوع عملکرد توجه نمی‌شود بلکه در یادگیری هر درس با عنایت به انواع موضوعات موجود در آن، سه نوع عملکرد حضور دارند. تعیین اهداف و طراحی آموزشی بر اساس این طبقه بندی و الگو در مقایسه با رویکردهای قبلی کامل‌تر و جامع‌تر است. در این رویکرد علاوه بر تعیین عملکردهای یادگیری، عناصر تشکیل دهنده هر درس نیز مشخص می‌شود و به همین دلیل طراحی آموزشی درس فارسی با توجه به نوع این رویکرد و ماهیت این درس عملی‌تر است، در شکل زیر ساختار رویکرد مدار دیده می‌شود.



جدول ۳: طراحی آموزشی درس فارسی بر اساس رویکرد عملکرد مدار

طرفداران این رویکرد از جمله مریل^۱ اعتقاد دارند در یادگیری یک درس با سه نوع عملکرد سروکار داریم: **یادآوری، کاربرد و کشف یا ابداع.**

۱- **یادآوری عملکردی** است که دانش آموز برای انجام آن به جستجو در حافظه خود می‌پردازد و اطلاعات آموخته شده را به همان صورت و یا به ساختاری جدید ارائه می‌نماید. مثلاً وقتی از دانشجو می‌پرسیم با ابیاتی از مثنوی به یاد چه آیاتی می‌افتد؟ پاسخ او از نوع عملکرد یادآوری است یا وقتی از دانشجو می‌خواهیم انواع فعل را توضیح دهد عملکرد او از نوع یادآوری خواهد بود.

۲- **کاربرد عملکردی** است که دانشجو موضوعات آموخته شده را در موقعیت‌های جدید به کار می‌بندد. مثلاً تشبیه بلیغ را در درس خاقانی پیدا می‌کند. صرف و نحو را در یک متن نثر کهن بررسی می‌کند. اجزای جمله را نشان می‌دهد. یا گروه‌های اسمی متن درس را استخراج کرده و می‌نویسد. در مثال‌های فوق عملکرد دانشجو از نوع کاربرد است.

۳- **کشف و ابداع عملکردی** است که دانشجو به موضوع تازه‌ای دست می‌یابد و یا جمع بندی تازه‌ای از درس ارائه می‌دهد. البته ممکن است موضوعات تازه یا جمع بندی جدید درس برای مدرس تازگی نداشته باشد مهم این است که دانشجو به آن نکته پی ببرد و آن را در کلاس مطرح کند. مثلاً دانشجو می‌گوید با خواندن درس دستور علاوه بر آشنایی با قواعد زبانی می‌تواند جملات افراد و نویسندگان را توصیف و تحلیل کند. در این نوع عملکردها می‌گوئیم عملکرد دانش آموز از نوع کشف یا ابداع است.

علاوه بر عملکردهای سه‌گانه فوق، بر اساس این رویکرد از طراحی آموزشی، محتوای درس به چهار عنصر قابل تجزیه است: **حقایق، مفاهیم، روش کارها و اصول یا قوانین**

۱- **حقایق:** شامل اطلاعاتی خاص مانند اسامی افراد، نام اماکن و نشانه‌های قراردادی است. مثلاً نامگذاری انواع جناس از نوع حقایق است یا نام آثار مولوی جزء حقایق به شمار می‌رود. در مقایسه با رویکرد قابلیت مدار، حقایق همان اطلاعات لغوی در طبقه بندی قابلیت مدار است.

۲- **مفاهیم:** به مجموعه اشیا، حوادث و پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که دارای خصوصیات و نام مشترک باشند. مثلاً قصیده به نوعی از شعر گفته می‌شود که در مدح کسی یا چیزی یا جایی سروده شده است و طول آن بلندتر از غزل بوده و شاعر به طرح احساسات و عواطف شخصی خود نمی‌پردازد. معمولاً کلمات نماینده مفاهیم هستند.

۳- **روش کار:** مجموعه‌ای از اعمال و فعالیت‌هایی است که برای نیل به یک هدف یا حل مسئله یا تولید یک محصول صورت می‌گیرد. مثلاً چگونگی پیدا کردن آرایه‌های ادبی در یک متن یا پیدا کردن اوزان یک شعر و یا تجزیه و ترکیب یک متن عربی نمونه‌ای از روش کار محسوب می‌شود.

۴- **اصول یا قوانین:** مجموعه‌ای از روابط علی و معلولی بین پدیده‌ها و شرایطی است که برای تبیین و تفسیر امور و حوادث به کار می‌رود. مثلاً قاعده جمله‌های چند جزئی بیانگر وجود رابطه دقیقی بین فعل و اجزای تشکیل دهنده دیگر است.

در این جا نمونه‌ای از کاریست تعیین هدف بر اساس رویکرد عملکرد مدار نشان داده می‌شود.

<p>راز زیبایی تشبیه در همانندی‌های پیش بینی نشده‌ای است که برای انسان کشف می‌کند.</p>	<p>به کار بردن تشبیه در نوشته‌ها باعث زیبایی متن می‌شود و تأثیر آن را افزایش می‌دهد.</p>	<p>از نبودن وجه شبه و ادات تشبیه متوجه می‌شود که اساس تشبیه بر شبه و مشبه به است.</p>	<p>با دیدن نمونه‌ها به تفاوت بین انواع کلمه پی می‌برد.</p>	<p>کشف یا ابداع</p>
<p>مشبه به را به گونه‌ای به کار می‌برد که وجه شبه از آن استنباط می‌شود.</p>	<p>درختی را در کویر به اختصار وصف می‌کند و سه تشبیه در آن به کار می‌برد.</p>	<p>با مشبه‌ها، مشبه‌به‌ها، و وجه شبه‌های داده شده تشبیه می‌سازد.</p>	<p>ارکان تشبیه را در نمونه‌های داده شده نشان دهد.</p>	<p>کاربرد</p>
<p>یک تشبیه را چگونه می‌توان شناخت؟</p>	<p>طرز شناختن مشبه و مشبه به را بیان می‌کند.</p>	<p>رابطه بین مشبه و مشبه به را بیان می‌کند.</p>	<p>تشبیه، مشبه به، مشبه، وجه شبه، ادات تشبیه را تعریف کند.</p>	<p>یادآوری</p>

حقایق مفاهیم روش کار اصول

جدول ۴: نمونه‌ای از تعیین هدف درس آرایه‌های ادبی براساس رویکرد عملکرد مدار

پس از تعیین اهداف آموزشی، فعالیت‌های مربوط به طراحی آموزشی پیش بینی و عملی می‌شود. مدرس به عنوان طراح آموزشی باید پاسخ مناسبی برای پرسش‌های زیر پیش بینی کند:

- ۱- اجزای آموزش زبان فارسی کدام‌اند؟
- ۲- ترتیب و توالی اجزای آموزش زبان فارسی به چه شکل است؟
- ۳- روش‌های ارئه و ارزشیابی آموزش زبان فارسی کدام‌اند؟

نخستین همایش آموزش زبان فارسی

بر اساس الگو و رویکرد عملکرد مدار تمام عناصر محتوایی درس زبان و ادبیات فارسی از دو جزء تشکیل شده است: **تعمیم‌ها و مثال‌ها**

تعمیم عبارت از تعریف مفاهیم، شرح کلی مراحل انجام کار و شرح کلی یک اصل یا قانون است. مثال‌ها نیز بیان نمونه‌هایی از تعمیم‌هاست که موجب فهم بهتر و عمیق‌تر مطالب یادگیری می‌شود. به نمونه‌هایی از تعمیم‌ها و مثال‌های مربوط به آن‌ها توجه کنید:

- ۱- در ادبیات فارسی منظومه‌های حماسی بر دو نوع است: طبیعی، مصنوعی ← تعمیم
شاهنامه‌ی فردوسی نمونه‌ای از حماسه طبیعی است. ← مثال
انداید ویرزیل نمونه‌هایی از حماسه مصنوعی است. ← مثال
- ۲- فعل از نظر گذر بر دو نوع است: گذرا و ناگذرا ← تعمیم
رفت ← فعل ناگذرا، نوشت ← فعل گذرا به مفعول ← مثال

۳- گروه اسمی از یک هسته اصلی و تعدادی وابسته تشکیل می‌شود. ← تعمیم

این دانش آموز کوشا، کتاب خواندنی، آن دو دسته گل سفید ← مثال

نکته: از چهار عنصر محتوایی درس فقط حقایق تعمیم ندارند زیرا حقایق اطلاعات خاص از موارد خاص‌اند.

ترتیب و توالی اجزای آموزش زبان و ادبیات فارسی

وقتی مشغول طراحی آموزشی هستیم و اجزای درس را همراه با نحوه تعیین اهداف روشن کردیم؛ در این مرحله لازم است اجزای آموزش را به طور منظم مرتب کنیم. همان طور که قبلاً گفته شد در هر درس سه عملکرد و چهار نوع موضوع یا عنصر محتوایی وجود دارد. این عملکردها و عناصر محتوایی از دو جزء تعمیم و مثال تشکیل شده است، در مرتب کردن اجزای آموزش از اصول زیر پیروی می‌گردد:

۱- اصل تفکیک: یعنی مدرس باید جایگاه تعمیم و مثال را مشخص کند. زمان ارائه آن‌ها را کاملاً تفکیک و جداسازد. این عمل به فهم بهتر و بیش‌تر عناصر محتوایی درس کمک می‌کند. چیدن نامنظم و درهم اجزای تعمیم و مثال، باعث سردرگمی دانشجو می‌شود. مثال برای اصل تفکیک در توالی اجزای آموزش: جمله از دوبخش اصلی به نام نهاد و گزاره تشکیل می‌شود. مانند: هوا سرد است. که در این جمله «هوا» نهاد و «سرد است» گزاره می‌باشد. جزء اصلی گزاره فعل است و معنای جمله با آن کامل می‌شود. مانند: علی به بازار رفت که در این جمله «رفت» فعل است. و ... همان طور که ملاحظه می‌شود، رعایت اصل تفکیک اجزا موجب بهبود و تسهیل یادگیری می‌شود.

۲- اصل تنوع: مثال‌هایی که برای تعمیم‌ها آورده می‌شود، باید متنوع باشد یعنی نمونه‌هایی از تمام مثال‌ها ذکر شود. اگر مفهوم درس استعاره و تعمیم آن تعریف استعاره باشد، لازم است مثال‌های استعاره از شاعران مختلف باشد. زیرا هر مثالی ویژگی خاص خود را دارد. تنوع در مثال‌ها باعث می‌شود دانشجو در تشخیص و شناسایی تعمیم‌ها و مفاهیم خطا نکند. مثلاً ارائه نمونه‌ای از رباعی خیام و عمر خیام از گذشته و سید حسن حسینی با قیصر امین پور از دوره معاصر باعث تنوع در تعمیم مفهوم رباعی می‌شود.

۳- اصل هم‌سازی: ترتیب و توالی اجزای آموزش باید به گونه‌ای باشد که همراه با مثال‌ها، تعدادی غیر مثال هم آورده شود تا قدرت تشخیص دانشجو افزایش یابد. غیرمثال نمونه‌هایی از تعمیم‌هاست که حداقل فاقد یکی از ویژگی آن است. مثلاً ذکر نمونه‌هایی دقیق از استعاره مثال و ذکر نمونه‌هایی نزدیک به استعاره اما تشبیه، غیرمثال محسوب می‌شود.

۴- اصل دشواری: در مرتب کردن اجزای درس باید دقت کرد مثال‌ها هم ساده و هم دشوار باشد. رعایت این اصل موجب یادگیری بهتر و عمیق‌تر می‌شود. مثلاً بهتر است در تدریس استعاره مصرحه یک نمونه ساده و یک نمونه دشوار ارائه شود تا قدرت تشخیص دانشجو افزایش یابد.

با توجه به اصول فوق به نظر می‌رسد مراحل و ترتیب اجزای آموزش به شرح زیر باشد:

۱- تعیین ویژگی‌های دانشجویان به خصوص اطلاعات قبلی آنان از درس جدید.

۲- تعیین نوع عملکردی که قرار است دانشجو پس از تدریس نشان دهد. (تعیین هدف)

۳- تعیین اجزا و عناصر آموزش درس جدید

۴- تعیین نوع ارائه و ارزشیابی درس جدید

۵- رعایت اصول چهارگانه ترتیب و توالی اجزای آموزش

روش‌های ارائه و ارزشیابی آموزش زبان فارسی

اجزای هر درسی (تعمیم و مثال) به دو شکل قابل ارائه و ارزشیابی است: بیانی و سؤالی در ارائه بیانی موضوع درس توسط مدرس مطرح می‌شود در حالی که در ارائه سؤالی مدرس، درس خود را با سؤال آغاز می‌کند.

سؤالی	بیانی	نوع ارائه اجزا
آیا می‌توانید چند نمونه از آثار مشهور خواجه عبدالله انصاری را نام ببرید؟ با توجه به متن درس چند ویژگی برای مناجات‌های او بیان کنید.	خواجه عبدالله انصاری عارف مشهور قرن پنجم صاحب آثاری مثل الهی نامه، زادالعارفین و مناجات نامه است. مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری مسجع، لطیف، دلشین، ساده و سرشار از معنائین عرفانی است.	تعمیم
چند نمونه از مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را بخوانید و سجع را در آن نشان دهید.	به نمونه‌های زیر از درس توجه کنید: - الهی، عبدالله عمر بکاست اما عذر نخواست. - الهی، عذر ما بپذیر، بر عیب‌های ما مگیر	مثال

جدول ۵: نمونه‌ای از روش ارائه و ارزشیابی درس ادبیات فارسی

اگر این جدول را بر اساس انواع عملکردهای سه گانه نیز تنظیم کرده و مدنظر داشته باشیم شکل زیر نمونه‌ای از آن خواهد بود:

سؤالی (تعمیم و مثال)	بیانی (تعمیم و مثال)	نوع ارائه انواع عملکرد
مثال‌های جدیدی از مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری بگویید. مثال‌های دیگری غیر از درس برای آرایه‌ی تلمیح بیان کنید.	هر گاه بخواهیم از آیات، احادیث و وقایع تاریخی در ضمن نوشته‌های خود استفاده کنیم به این نواع استفاده آرایه‌ی تلمیح می‌گویند. مثال: بیستون بر سر راه است مبادا از شیرین / خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید اشاره به داستان شیرین و فرهاد	کشف یا ابداع
موارد استفاده از تلمیح را بیان کنید. چند نمونه از کاربردهای تلمیح را ذکر کنید. تلمیح را در بیت‌های داده شده نشان دهید.	خواجه انصاری از عارفان قرن پنجم است. مناجات‌های او مسجع و ساده است. شهریار یکی از برجسته‌ترین شاعران غزل سرای معاصر است.	کاربرد
شهرت خواجه عبدالله انصاری به چیست؟ ویژگی‌های مناجات‌های او را بیان کنید. شهریار در رودن چه نوع شعری شهرت دارد؟		یادآوری

جدول ۶: نمونه‌ای از عملکردها و روش‌های ارائه درس ادبیات فارسی

اگر بخواهیم عناصر محتوایی و اجزای آموزش و روش‌های ارائه و ارزشیابی را نیز در جدول یکپارچه نشان دهیم. شکل زیر بیانگر آن خواهد بود:

اجزا و روش آموزش عناصر محتوا	بیان تعمیم	بیان مثال	سؤالی از مثال	سؤال از تعمیم
حقایق				
مفهوم	خواجه عبدالله انصاری بزرگ قرن پنجم است. شهریار از مشهور غزل سرای معاصر است.	از آثار او می‌توان به الهی‌نامه و مناجات نامه اشاره کرد. یکی از منظومه‌های شهریار حیدرآبادیاسلام است.	چند نمونه از آثار خواجه عبدالله را بگویند. منظومه‌ی مشهور شهریار چه نام دارد؟	شهرت خواجه عبدالله در چیست؟ شهرت شهریار در سرودن چه نوع شعری است؟
روش کار	استفاده از آیات، احادیث و وقایع تاریخی در ضمن نوشته باعث زیبایی و لطافت آن می‌شود.	مهر او بلاشینیان را کشتی نوح است. اشاره به داستان نوح.	چند نمونه بخوانید که در آنها تلمیح به کار رفته باشد.	منظور از آرایه‌ی تلمیح چیست؟ کاربرد تلمیح در ادبیات را توضیح دهید.
قوانین یا اصول	در دستور سنتی گاهی حرف «را» در معنای برای و به عنوانی حرف اضافه به کار می‌رفته است.	نمونه‌ای از کاربرد «را» به عنوان حرف اضافه به دو چشم خونفشانم نگه ای نسیم رحمت که ز کوی او غباری به من آر توتیا را	در نمونه‌های زیر حرف را در معنای حرف اضافه را پیدا کنید.	حرف «را» چه کاربردهایی دارد؟

جدول ۷: نمونه‌ای از عناصر محتوایی و روش ارائه درس ادبیات فارسی

بحث و نتیجه گیری

برای آموزش زبان و ادبیات فارسی همچون سایر دروس می‌توان راه‌کارها و شیوه‌هایی طراحی و اجرا کرد که در پایان آموزش، اهداف پیش بینی شده از سوی نظام آموزش عالی محقق شود. هر چند بخش عمده‌ای از ماهیت و درون مایه این ماده درسی با خلاقیت و نوآوری عجین است اما عدم آگاهی از شیوه‌های طراحی آموزشی تاثیر تدریس را کم رنگ خواهد کرد. برای آموزش زبان فارسی در دانشگاه می‌توان الگوهای متنوعی در طراحی آموزشی

استفاده کرد. اولین گام برای طراحی آموزشی تعیین اهداف آموزشی است. از هر الگویی بخواهیم استفاده کنیم باید اهداف را به گونه‌ای انتخاب و تعیین کنیم که شیوه‌های آموزشی را نیز نشان دهد. طبقه بندی بر اساس رویکرد عملکرد مدار الگوی مناسبی برای آموزش زبان فارسی است زیرا عناصر محتوایی حقایق، مفاهیم، روش کارها و اصول و نیز عملکردهای یادآوری، کاربرد و کشف مواردی هستند که با ماهیت این درس هماهنگی بیش‌تری دارد. پیشنهاد می شود دوره های آموزش کوتاه مدت، کارگاه های آموزشی، نشست های تخصصی و کرسی های نظریه پردازی در زمینه طراحی آموزشی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه توسط آموزش عالی برنامه ریزی و اجرا شود و در برنامه های رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های کشور سرفصل هایی جدی و عملیاتی در نظر گرفته شود.

منابع

- السون، هرگنهان (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی سیف، تهران: نشر دانا.
- باراراس، رابرت (۱۳۹۰). راهبردهای مطالعه و یادگیری، ترجمه حسین قاسم پور مقدم، چاپ اول، تهران: نشر فرتاب.
- جوشی آنانت و سالونکی، گاویتا (۱۳۹۳). روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه حسین قاسم پورمقدم و همکاران، تهران: انتشارات داستان.
- شعبانی، حسین (۱۳۸۸)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: انتشارات سمت.
- شین، پولاک و رایگلوث (۱۳۸۴). راهبردها و فنون طراحی آموزشی، ترجمه هاشم فردانش، تهران: نشر سمت.
- صفوی، امان‌اله (۱۳۸۹)، کلیات روشها و فنون تدریس، تهران: انتشارات گانیه، برینگتر و ویگر (۱۳۸۴). اصول طراحی آموزشی، ترجمه خدیجه علی آبادی، تهران: انتشارات دانا.
- فردانش، هاشم (۱۳۸۸). مبانی نظری تکنولوژی آموزشی، تهران: نشر سمت.
- قاسم پورمقدم، حسین (۱۳۷۴). کاربرد الگوهای تدریس در آموزش زبان و ادب فارسی، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸.
- قاسم پورمقدم، حسین و همکاران (۱۳۹۲). روش های نوین یاددهی و یادگیری زبان و ادب فارسی، چاپ سوم، تهران: نشر فرتاب.
- یغما، عادل (۱۳۷۴)، طراحی آموزشی، تهران: انتشارات مدرسه.